



The Role of Regional Organizations in Mitigating Regional Challenges: A Case Study of the Economic Cooperation Organization (ECO)

Hojat Mahkouie

Assistant Professor, Department of Political Geography, Faculty of Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Email: Hojat_59_m@yahoo.com

Hasan Bavir

PhD student in Political Geography, Faculty of Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Email: Bavirhasan@gmail.com

Abstract

Following World War II, and particularly since the 1960s, countries have increasingly recognized the importance of international cooperation within the framework of regional organizations, making regional collaboration a growing priority. The development of cooperation through regional organizations has emerged as a strategy both for overcoming international crises and for enhancing the capacity of states to jointly address the emerging challenges of the contemporary world. Regionalism, while promoting economic collaboration, also fosters political and security convergence and can strengthen peace and stability in a region by offering peaceful solutions to existing or potential crises. The Economic Cooperation Organization (ECO), which replaced the Regional Cooperation for Development (RCD) in 1984, was established under conditions conducive to regional cooperation with objectives such as promoting sustainable economic development among member states, expanding intra-regional and international trade, facilitating gradual integration into the global economy, enhancing the convergence of public sector activities, and strengthening tourism-related ties. The findings of this study suggest that regional organizations, particularly the ECO, have played a constructive role in reducing regional challenges and fostering member state convergence.

Keywords: Regional organizations, convergence, Economic Cooperation Organization (ECO)

نقش سازمان های منطقه ای در کاهش چالش های منطقه ای؛ مطالعه موردی سازمان همکاری اقتصادی (اکو)

حجت مهکویی

استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
Email: Hojat_59_m@yahoo.com

حسن باویر

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
Email: Bavirhasan@gmail.com

چکیده

بعد از جنگ جهانی دوم، به ویژه از دهه ۱۹۶۰ میلادی، کشورها به اهمیت همکاری بین المللی در چهارچوب سازمان های منطقه ای پی بردند و بحث همکاری های منطقه ای از اهمیت بیشتری برخوردار شد. توسعه همکاری ها در قالب سازمان های منطقه ای همواره به عنوان رهیافتی برای خروج از بحران های بین المللی از یک سو و همکاری و هماهنگی کشورها در قالب سازمان های منطقه ای در جهت افزایش توان رویارویی با مسائل جدید دنیای امروزی از سوی دیگر مطرح هستند. منطقه گرایی ضمن توسعه همکاری های اقتصادی به هم گرایی سیاسی و امنیتی نیز منتج می شود و می تواند با ارائه راه حل های صلح آمیز برای بحران های موجود یا بحران های احتمالی موجب تحکیم صلح و امنیت در منطقه شود. سازمان همکاری های اقتصادی (اکو) در چهارچوب شرایط ایجاد یک همکاری منطقه ای با اهدافی مانند ارتقای شرایط برای توسعه اقتصادی پایدار اعضا، گسترش و افزایش تجارت درون منطقه ای و بین المللی، فراهم آوردن شرایط برای ادغام تدریجی با اقتصاد جهانی، ارتقای هم گرایی فعالیت های بخش عمومی و حضور اعضا و تحکیم ارتباطات گردشگری در سال ۱۹۸۴ جانشین سازمان همکاری عمران منطقه ای شد. نتایج این پژوهش نشان می دهد که سازمان های منطقه ای، به ویژه سازمان همکاری های اقتصادی (اکو) نقش سازنده ای در کاهش چالش های منطقه ای و هم گرایی اعضا داشته است.

کلیدواژه ها: سازمان های منطقه ای، هم گرایی، سازمان همکاری های اقتصادی (اکو)

مقدمه

سابقه تکوین سازمان های بین المللی به قرن نوزدهم برمی گردد؛ اما تلاش جدیدی در زمینه توسعه نهادهای بین المللی چندجانبه و شکوفایی «نهضت سازمان سازی»، پدیده ای قرن بیستمی است. ما شاهد هستیم که برنامه عملی و عرف سازمان سازی در عصر حاضر نیز ادامه دارد. در ابتدا مایه ظهور سازمان ها، بیزاری از جنگ و ضرورت اندیشه ورزی فردی و جمعی به منظور مهار کردن تنش ها و شناسایی علت آنان بوده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۶۴). بعد از جنگ جهانی دوم، تعداد سازمان های منطقه ای که نه تنها از نظر اقتصادی، بلکه به لحاظ تأمین صلح و امنیت منطقه و جهان نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده اند؛ گسترش زیادی یافتند. تشکیل کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (انکتاد) در ۲۳ مارس ۱۹۶۴ و تعیین دهه توسعه و عمران کشورهای در حال رشد، به این همکاری ها سرعت بیشتری بخشید (میرزایی، ۱۳۸۵: ۱۵۸-۱۲۱).

در قرن بیستم عواملی همچون پیشرفت علوم و فنون، توسعه ارتباطات و افزایش وابستگی متقابل بین کشورها، موجب تضعیف تفکرات خودبستگی و انزواطلبی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره در بین کشورها شده و به دنبال این تحولات، ضرورت مدیریت و هماهنگی این امور و پرهیز از منازعات احتمالی، همکاری، تطابق و هماهنگی برای توسعه منافع مشترک و حل مشکلات فرامرزی و تخفیف تعارضات، موجب رشد فزاینده سازمان های بین المللی و در حقیقت به وجود آمدن نهضت سازمان سازی شد (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۴۱-۱). همان طور که در جامعه ملی هیچ فردی نمی تواند به تنهایی به قدرت سیاسی دست یابد و به ناچار باید در پناه یک حزب، جایگاهی را در معادلات سیاسی پیدا کند؛ یک کشور هم نمی تواند به تنهایی در معادلات قدرت جهانی صاحب موقعیت و جایگاه ویژه ای شود. از این رو، منطقه گرایی خود را بر کشورها تحمیل کرده و در این میان، کشورهایی موفق تر خواهند شد که با تمهیدات لازم به استقبال آن رفته و قدرت خود را درون یک تشکل منطقه ای تعریف کنند (نقیب زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۱). سازمان های منطقه ای از آغاز، همواره به عنوان یکی از ابزارهای گسترش همکاری و امنیت کشورها و حل و فصل اختلافات آن ها پیش از ارجاع دعاوی به شورای امنیت مطرح بوده اند و قصد بر این بوده است که با استفاده از امکانات سلبی و ایجابی کشورهای منطقه در قالب این سازمان ها و به علت نزدیکی جغرافیایی و هم پیوندی های اعضا - گذشته از تأمین منافع آن ها - اهداف سازمان های جهانی مانند سازمان ملل متحد در زمینه تقویت صلح، امنیت و همکاری های بین المللی دیگر پیگیری شود و بر



کارآمدی تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی در این زمینه افزوده و روند اجماع بین‌المللی با مراجعه مقدماتی دولت‌ها به سازمان‌های منطقه‌ای تحکیم شود (اخوان‌کازمی، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۶۴). سازمان همکاری‌های اقتصادی (اكو) ^۱ شکل جدیدی از سازمان عمران منطقه‌ای (آر.سی.دی) ^۲ است که در سال ۱۹۶۴ با همکاری سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان شکل گرفت. اگرچه در ظاهر هدف از تشکیل «آر.سی.دی» پیشبرد همکاری‌های اقتصادی، فنی و فرهنگی در میان سه کشور یادشده بود؛ ولی هدف اصلی آن همکاری‌های سیاسی و گاه امنیتی در چهارچوب همکاری‌های اقتصادی بود؛ زیرا هر سه کشور در جبهه غرب قرار داشته و نسبت به گسترش نفوذ اتحاد شوروی و کمونیسم به‌طور کلی نگران بودند (کولایی و سازمند، ۱۳۹۰: ۸۰-۵۹). جدا از صحت و سقم این رویکرد، سازمان همکاری‌های اقتصادی (اكو) با توجه به ژئوپلیتیک منطقه و کشورهای عضو و اشتراکات فرهنگی و مذهبی توانسته است موجبات هم‌گرایی اعضا را فراهم کرده و نوعی تعامل سازمان‌یافته بین اعضا به وجود آورد؛ اما از آنجایی که مهم‌ترین مشکلات اتحادیه‌های هم‌گرایی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، توزیع ناعادلانه هزینه‌ها و منافع هم‌گرایی بین کشورهای عضو است (حقیقی، ۱۳۷۴: ۱۰۶۰-۱۰۳۹)؛ بنابراین به خاطر نابرابری سطح توسعه کشورهای عضو، اعضای پیشرفته‌تر منافع بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند و این ترس در اعضای کم‌تر توسعه‌یافته وجود دارد که هم‌گرایی اقتصادی به‌جای تسریع توسعه اقتصادی آن‌ها باعث عقب‌ماندگی بیشتر آن‌ها بشود (Salvatore, 1984, p. 93).

در این راستا، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که سازمان‌های منطقه‌ای و به‌صورت موردی سازمان همکاری‌های اقتصادی (اكو) چه نقشی در کاهش چالش‌های منطقه‌ای داشته‌اند؟ در پاسخ به آن، فرضیه پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که سازمان‌های منطقه‌ای و به‌ویژه سازمان همکاری‌های اقتصادی (اكو) با ایجاد نوعی تعامل سازمان‌یافته در بین اعضا نسبت به کاهش چالش‌های منطقه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. برای بررسی فرضیه پژوهش، نگارندگان سعی کرده‌اند با کاربرد روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به بررسی نقش سازمان‌های منطقه‌ای در کاهش چالش‌های منطقه‌ای با تأکید بر سازمان همکاری‌های اقتصادی (اكو) بپردازند. بنابراین با عنایت به عضویت ایران در اكو به‌عنوان مهم‌ترین و فراگیرترین سازمان منطقه‌ای و همچنین وجود چالش‌های فراروی آن، در

1. Economi Cooperation Organization (ECO)

2. Regional Cooperation for Development (RCD)

این مقاله درصددیم ضمن سنجش نقش سازمان‌های منطقه‌ای در کاهش چالش‌های منطقه‌ای، به نقش اکو در هم‌گرایی منطقه‌ای کشورهای عضو بپردازیم.

۱. مفاهیم و مبانی نظری

۱-۱. منطقه‌گرایی

با وجود این‌که منطقه‌گرایی به معنا و مفهوم متفاوتی در ادبیات روابط بین‌الملل به کاررفته است؛ اما به طور سنتی، منطقه‌گرایی را نظریه همکاری اقتصادی کشورهای موجود در یک منطقه و ناحیه جغرافیایی مشخص و معین دانسته‌اند. از این رو، معمولاً منطقه‌گرایی و هم‌گرایی اقتصادی یکسان و مترادف تلقی و تعریف می‌شوند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۵۷-۸۸). البته باید به این نکته توجه کرد که در تعریف مفهوم منطقه‌گرایی در میان پژوهشگران حوزه‌های مطالعات منطقه‌ای و روابط بین‌الملل اتفاق نظر وجود ندارد؛ چراکه عوامل مؤثر در تحلیل منطقه‌گرایی بسیار گسترده هستند. در اغلب موارد منطقه‌گرایی براساس درجه انسجام اجتماعی (زبان، قومیت، نژاد، فرهنگ، مذهب، تاریخ و آگاهی از میراث مشترک)، هم‌گرایی اقتصادی (الگوها و رژیم‌های تجاری و مکمل بودن اقتصادی)، یکپارچگی سیاسی (نوع رژیم، ایدئولوژی و زمینه‌های فرهنگ مشترک) و انسجام سازمانی (وجود نهادهای رسمی منطقه‌ای) تجزیه و تحلیل می‌شود؛ که متغیرهای به کاررفته در هر یک از سطوح تحلیل و نیز تعامل آن‌ها، فرایند، موقعیت و نیز هدف‌های هم‌گرایی منطقه‌ای را مشخص خواهد کرد (کولایی و سازمند، ۱۳۹۲: ۱۵۹-۱۴۰)؛ اما به هر حال منطقه‌گرایی با توجه به تفاوت‌های فرهنگی مناطق مختلف جهان شکل می‌گیرد و در مجموع، سبب همگنی و یکنواختی فضاها و منطقه‌ای شده یا دست کم این هدف را در دستور کار قرار داده است. از نظر هتن^۱ حتی در سال ۱۹۵۷ و مدت‌ها پیش از تکوین جهانی شدن، «پلانی» پیش‌بینی کرد که حرکت جدید تشکیل مناطق و قطب‌های اقتصادی، تجاری، نظامی و سیاسی ممکن است سد راه روند جهانی شدن باشد (Hettne, 1999, p. 38).

به طور کلی منطقه‌گرایی معادل اصطلاح «رژئونیالیسم»^۲ است و هدف از این اصطلاح در ادبیات روابط بین‌الملل، تشکیلات و احتمالاتی است که مرکب از دست کم سه واحد سیاسی باشد. این اصطلاح هنگامی کاربرد دارد که دولت‌ها در یک منطقه جغرافیایی که دارای علایق مشترک هستند؛ از طریق سازمان‌های منطقه‌ای با یکدیگر

1. Hettne
 2. Regionalism



همکاری‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند. به عبارت دیگر، منطقه‌گرایی عبارت است از ایجاد تحول در یک منطقه مشخص از پراکندگی و چنددستگی به همگون شدن و هم‌گرایی، آن‌هم در یک‌رشته از زمینه‌ها که مهم‌ترین آن‌ها فرهنگ، امنیت، سیاست‌های اقتصادی و رژیم‌های سیاسی است (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲-۲۵). به هر حال، منطقه‌گرایی به معنای بذل توجه ویژه به یک منطقه جغرافیایی مشخص است که به نظر می‌رسد بهترین مکان برای تحقق منافع و ایدئال کشورهای مربوط باشد (سیمبر، ۱۳۸۷: ۱۲۸-۱۱۴). در دنیای امروزی منطقه‌گرایی و همکاری‌های منطقه‌ای در دستور کار بسیاری از دولت‌ها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است؛ به‌ویژه این‌که منطقه‌گرایی و تشکیل بلوک‌های منطقه‌ای می‌تواند راه مؤثری برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این کشورها و ادغام آن‌ها در اقتصاد و تجارت جهانی باشد.

۲-۱. نظریه هم‌گرایی

وحدت منطقه‌ای یا هم‌گرایی منطقه‌ای اشاره به تجانس ارزشی، انتظارات مشترک و تفاهم بر سر اهداف و منافع همگون دارد که موجب اتحاد و همکاری بین کشورهای یک منطقه می‌شود (جمالی، ۱۳۸۵: ۲۱۵). منطقه که بر مبنای تقسیمات جغرافیایی استوار است موجب نزدیکی دولت‌ها و کشورهایی می‌شود که دارای مشترکات تاریخی، فرهنگی، زبانی و مذهبی هستند. سازمان‌های منطقه‌ای چه به‌عنوان سازمان‌های فراملی و چه به‌عنوان سازمان‌های بین‌دولتی در مناطق مختلف دنیا تأسیس شده و در جهت تعمیق همکاری‌های بین‌المللی، حفظ صلح و افزایش سطح زندگی مردم منطقه نقش قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۱۳-۱۰۳).

فرایند وحدت کشورها موضوع تازه‌ای نیست و کلیه متون مربوط به اتحادیه‌ها، فدراسیون‌ها و سازمان‌های فراملی به مسائلی کاملاً مرتبط با هم‌گرایی اشاره دارند. ارنست هاس از نظریه‌پردازان حوزه هم‌گرایی معتقد است که هم‌گرایی اقتصادی به وحدت سیاسی منجر خواهد شد؛ بنابراین حرکت هم‌گرایی از حوزه و قلمرو اقتصادی به‌سوی حوزه سیاسی است و آنچه هم‌گرایی و به‌طور خاص هم‌گرایی منطقه‌ای خوانده می‌شود؛ ناشی از ضرورت‌های سیاسی و امنیتی محض نبوده، بلکه بروز نوعی فرهنگ سیاسی نوین، زمینه‌های ایجاد آن را فراهم کرده است (فتوحی، ۱۳۸۹).

هاس ضمن بااهمیت شمردن اراده انسانی، هم‌گرایی را نتیجه اراده سیاسی برای فائق آمدن بر الزامات ناشی از نیازها و پیچیدگی‌های فنی می‌داند. وی با بهره‌گیری از

مفهوم تسری، معتقد است که همکاری در یک بخش، کشورها را به تدریج به همکاری در سایر بخش‌ها نیز سوق می‌دهد و این امر عامل مهمی در تقویت هم‌گرایی منطقه‌ای به شمار می‌آید (سیف‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۸۹-۳۸۵). بنابراین وی هم‌گرایی را فرایندی می‌داند که به‌وسیله آن، رهبران سیاسی خود را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش دارای اختیارات قانونی یا متقاضی اختیارات قانونی و رأی‌ملت-کشورها باشد، سوق می‌دهند (سیف‌زاده، ۱۳۷۲: ۲۴۳).

هتن نیز به نمایندگی از مکتب روابط بین‌الملل، منطقه‌گرایی نوین را فرایندی چندبعدی از هم‌گرایی منطقه‌ای در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند. درواقع، به نظر وی منطقه‌گرایی صرفاً اقتصادی یا سیاسی نیست؛ بلکه ابزاری سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی است. وی همچنین هویت منطقه‌ای، تجانس سیاسی، امنیت دسته‌جمعی و انسجام منطقه‌ای را از مؤلفه‌های منطقه‌گرایی می‌داند (Hettne, 1994, p. 229). البته نباید فراموش کرد با وجود این که دولت‌ها نفوذ قابل توجهی بر امور منطقه‌ای دارند؛ آن‌ها دیگر کنترل همه جریان‌های همکاری را که در قلمروشان وجود دارد در اختیار ندارند (Bresling & Higgott, 2002, p. 347).

بنابراین منطقه‌گرایی نه فقط دلالت بر افزایش فعالیت‌ها بین کشورهایی دارد که از نظر جغرافیایی در یک منطقه قرار دارند؛ بلکه یک نوع تشدید فعالیت‌های بین‌المللی در میان آن‌ها است که در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی در سطح منطقه‌ای و در یک محدوده جغرافیایی سازمان‌دهی می‌شوند (نجارزاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۹-۶۷). به‌طور کلی عوامل و زمینه‌های هم‌گرایی منطقه‌ای را در موارد ذیل می‌توان خلاصه کرد:

- ویژگی‌های مشترک فرهنگی- تاریخی: مانند زبان، تجربه تاریخی، ایدئولوژی، دین و مذهب، نژاد، قومیت، خاندان و آداب و رسوم مشترک؛
- وحدت طبیعی و جغرافیایی و برخورداری از واحدهای جغرافیایی متمایز و یکپارچه مانند: شبه‌جزیره، خلیج، فلات قاره، دریا، شبه‌قاره و غیره همچون اتحادیه پاسیفیک، نفتا و سازمان وحدت آفریقا؛
- تهدید مشترک: اعم از تهدید امنیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره؛
- علایق، منافع و نقش مشترک: مانند گروه هشت^(۱)، بازار مشترک اروپا، اوپک و غیره؛
- نیازها و وابستگی‌های متقابل در زمینه‌های مختلف: مانند آ.سه. آن، اکو و غیره؛



- قدرت مسلط و نیروهای سیاسی و ژئوپلیتیک برتر که نقش تأسیس و رهبری هم‌گرایی را به‌عهده می‌گیرند؛ مانند کشورهای استعمارگر، قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و ...
- روابط عاطفی و سیاسی رهبران کشورها مانند فدراسیون امارات متحده عربی؛
- وابستگی‌های تمدنی؛ مانند تمدن اسلامی، اروپایی، اسلاوی و غیره (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۸-۷۷).

البته هرچند نظریه‌پردازان هم‌گرایی منطقه‌ای، به‌ویژه نوکارکردگرایانی مانند جوزف نای ارائه یک نظریه عام و فراگیر برای ارزیابی سطح هم‌گرایی پیشنهاد کرده‌اند؛ اما همان‌گونه که فالتزگراف و دئورتی معتقدند نظریه‌پردازی در این زمینه هنوز آن‌قدر پیشرفت نکرده است که در مورد تعاریف یا شاخص‌ها و شرایط هم‌گرایی، میان پژوهشگران این حوزه توافق عام وجود داشته باشد. اما به‌طور کلی از دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی به بعد، موضوع هم‌گرایی یا یکپارچگی منطقه‌ای جایگاه ویژه‌ای در بررسی نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل پیدا کرد و موج دوم منطقه‌گرایی و نظریه‌پردازی درباره آن در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی ایجاد شد و روابط بین‌الملل را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد. در مورد همکاری‌های منطقه‌ای، پارادایم‌های رقیب روابط بین‌الملل رهیافت‌های گوناگونی را براساس رابطه قدرت، تجارت یا هویت مطرح ساخته‌اند که می‌توان این رهیافت‌ها را در چهارچوب سه جریان فکری مسلط در روابط بین‌الملل یعنی نوواقع‌گرایی، نولیبرالی و نومارکسیستی و نیز دیدگاه‌های جدید مبتنی بر انگاره‌ها و عوامل ذهنی تبیین کرد (عباسی‌اشلقی، دامن‌پاک جامی، ۱۳۹۲: ۶۳).

در نظریه‌های نوواقع‌گرا، ترتیبات منطقه‌ای برپایه دستیابی به دستاوردهای نسبی و توزیع سودی ارزیابی می‌شوند که رقبای مختلف در این ترتیبات در چهارچوب موازنه قدرت به دست می‌آورند. نومارکسیست‌ها، منطقه‌گرایی را پاسخی به چالش‌های همیشگی جهانی‌شدن سرمایه‌داری می‌دانند که قطب‌بندی کشورها را تشدید می‌کند. از نظر آنان، زمانی که کشورهای پیرامون نمی‌توانند با انحصارهای نظام سرمایه‌داری مبارزه کنند؛ منطقه‌گرایی تنها جایگزین مناسب برای این مبارزه است؛ بنابراین منطقه‌گرایی به‌مثابه سپری در برابر طرح جهانی‌سازی نظام سرمایه‌داری محسوب می‌شود. در مقابل این رویکردها، نولیبرال‌ها معتقد به امکان همکاری جمعی برای رسیدن به جامعه آرمانی، صلح ابدی و تأمین منافع همه کشورها هستند. بنابراین از نظر آنان می‌توان با ایجاد و تقویت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی از درگیری و منازعه که منجر به آنارژی می‌شود؛ جلوگیری کرد چراکه منافع دولت‌ها با هم تعارض نداشته

و اگر نهادهای مناسبی تشکیل شود؛ همه طیف‌ها می‌توانند از همکاری سود ببرند (عباسی‌اشلقی، دامن‌پاک جامی، ۱۳۹۲: ۱۰۰-۶۳). با این وجود، اغلب نظریه‌پردازان قائل به هم‌گرایی منطقه‌ای بوده و آن را راهکاری مناسب برای همکاری‌های منطقه‌ای، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصاد، امنیت و نیز رفع چالش‌ها و تنش‌ها دانسته‌اند.

۲. یافته‌های تحقیق تاریخ شکل‌گیری سازمان همکاری‌های اقتصادی

سازمان همکاری اقتصادی که به‌طور اختصار به اکو معروف است؛ در ابتدا با نام سازمان همکاری عمران منطقه‌ای (آر.سی.دی) آغاز به کار کرد. پس از تشکیل کنفرانس توسعه و تجارت وابسته به سازمان ملل متحد در ۲۳ مارس ۱۹۶۴ و تعیین دهه ۱۹۶۰ به‌عنوان دهه توسعه و عمران کشورهای در حال رشد، روند این همکاری‌ها شتاب گرفته و سازمان همکاری عمران منطقه‌ای در سال ۱۳۴۰ (ژوئیه ۱۹۶۴) با عضویت سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه تشکیل شد. این سه کشور درصدد اجرای طرح‌های صنعتی کردن خود به روش غرب برآمده بودند. محدودیت ذخایر ارزی، نیاز به اجرای طرح‌های صنعتی، دریافت فناوری و نیز استفاده از امکانات موجود منطقه‌ای سبب شد که اندیشه ایجاد سازمان همکاری عمران منطقه‌ای به‌صورت یک سازمان همکاری چندجانبه تقویت شود.

علاوه بر موارد ذکرشده، داشتن علایق تاریخی، فرهنگی و سنتی مشترک میان سه کشور و قرار داشتن آن‌ها در یک منطقه حساس استراتژیک، ضرورت پیدایش چنین سازمانی را نمایان می‌ساخت. عهدنامه ازمیر^(۱) در سال ۱۳۴۵ به‌عنوان اساس این همکاری برای تقویت فعالیت‌ها تنظیم شده و فعالیت این سازمان تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت که در این سال با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روند فعالیت‌های سازمان همکاری عمران منطقه‌ای متوقف و دچار رکود شد.

پس از پیروزی انقلاب به علت عدم اعلام نظر قاطع ایران نسبت به ابقا در سازمان مذکور یا خروج از آن، فعالیت‌های سازمان همکاری عمران منطقه‌ای به حالت تعلیق درآمد و سرانجام در سال ۱۳۵۹ منحل شد. اما با در نظر گرفتن اصول سیاست خارجی ایران مبنی بر گسترش روابط و همکاری با کشورهای همسایه و به‌منظور توسعه همکاری سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه، ساختار جدیدی با نام سازمان همکاری اقتصادی که به‌طور خلاصه اکو خوانده می‌شود؛ فعالیت گسترده خود را از سال ۱۹۹۱ آغاز کرد و در سال ۱۹۹۲ با پذیرش هفت کشور جدید افغانستان، جمهوری آذربایجان،

1. Treaty of Izmir



قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان، اکو توسعه و جایگاه جدیدی در همکاری‌های منطقه‌ای پیدا کرد که از همین‌رو روز ۲۸ نوامبر به مناسبت اوج فعالیت‌های این سازمان به نام روز اکو نام‌گذاری شده است (جدول ۱).

جدول ۱: وضعیت کشورهای عضو اکو براساس شاخص‌های اقتصادی و جمعیتی در سال

۲۰۱۶

نام کشور	وسعت کشور (کیلومتر مربع)	جمعیت	تراکم جمعیت (کیلومتر مربع)	GDP (میلیون دلار)	درآمد سرانه (به دلار)
ازبکستان	۴۴۷,۴۰۰	۳۲,۱۲۱,۰۰۰	۷۱/۸	۶۵/۵۰۳	۲,۱۱۴,۹۷۴
ترکمنستان	۴۸۸,۱۰۰	۴,۷۵۱,۱۲۰	۹/۷	۳۵/۸۵۵	۶,۶۵۴,۷۴۴
ترکیه	۷۸۳,۵۶۲	۷۹,۸۱۴,۸۷۱	۱۰۱/۹	۷۱۷/۹۳۲	۹,۱۸۶,۳۵۳
تاجیکستان	۱۴۳,۱۰۰	۸,۵۵۱,۰۰۰	۵۹/۸	۷/۸۱۶	۹۲۲۰۰۷۲
پاکستان	۷۹۶,۰۹۵	۱۹۶,۳۵۸,۰۰۰	۲۴۶/۷	۲۷۱/۰۵۰	۱,۴۲۷,۵۵۵
قرقیزستان	۱۹۹,۹۰۰	۶,۱۲۰,۴۰۰	۳۰/۶	۶/۶۵۰	۱,۱۱۲,۸۱۰
قزاقستان	۲,۷۲۴,۹۰۰	۱۷,۹۲۶,۵۰۰	۶/۶	۱۸۲/۳۶۱	۱۰,۴۲۶,۰۹۱
ایران	۱,۶۴۸,۱۹۵	۷۹,۹۰۹,۷۰۰	۴۷/۸	۳۹۰/۰۳۹	۴,۹۰۷,۶۱۹
آذربایجان	۸۶,۶۰۰	۹,۸۰۳,۰۰۰	۱۱۳/۲	۵۴/۰۴۸	۵,۷۳۹,۴۳۳
افغانستان	۶۴۷,۵۰۰	۳۷,۶۵۷,۱۴۵	۴۲/۷	۱۹/۶۸۷	۶۱۵,۰۹۱

Source: World Bank, 2017

۳. نقش سازمان منطقه‌ای اکو در خاورمیانه

امروزه سازمان اکو با داشتن ده عضو و بیش از ۴۰۰ میلیون نفر جمعیت؛ یعنی یک‌چهارم جمعیت مسلمانان جهان به عنوان بزرگ‌ترین تشکل اقتصادی جهان اسلام، بخش قابل توجهی از ظرفیت‌های تجاری، صنعتی، بازرگانی و منابع نفتی و گازی جهان را در اختیار دارد. این مهم در کنار وضعیت و موقعیت ممتاز این سازمان منطقه‌ای در سطح استراتژیک و ژئواستراتژیک با اختصاص ۸۶۲۰۶۹۷ کیلومتر مربع وسعت فعلی (نقشه شماره ۱) به عنوان نقطه تماس سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، فرصت قابل توجهی برای اعضای فعال در آن ایجاد کرده است. علاوه بر این، منطقه اکو در مجاورت سه کانون اساسی انرژی در جهان یعنی فدراسیون روسیه، خلیج فارس و حوزه خزر قرار دارد و اعضای آن فعالیت در حوزه‌های تجارت، انرژی و حمل و نقل را از اولویت‌های اصلی در راهبردهای خود برشموده‌اند. سرعت بخشیدن به استفاده و مصرف بهینه از منابع انرژی در این منطقه و فراهم کردن امکان دسترسی به بازارهای جهانی برای

کشورهای عضو محصور در خشکی (در آسیای مرکزی و قفقاز) از عناصر مهم و راهبردی در این زمینه است (کولایی، مؤدب، ۱۳۸۸: ۵۴-۳۳).



نقشه ۱: نقشه کشورهای عضو اکو (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۱).

به هر حال، اکو به عنوان سازمان اقتصادی منطقه‌ای که عمدتاً حیطه فعالیت آن در منطقه خاورمیانه و منطقه حساس آسیای مرکزی واقع شده است؛ با توجه به محورهای همکاری و اولویت‌های کاری و اهدافی که اعضا به دنبال آن هستند؛ می‌تواند به عنوان سازمان ایجادکننده هم‌گرایی در منطقه خاورمیانه، با وجود زمینه‌ها و ظرفیت‌هایی که در اختیار دارد در امنیت منطقه خاورمیانه نقش بسزایی را ایفا کند. اهمیت منطقه خاورمیانه و آسیای میانه از لحاظ استراتژیک بسیار مهم و قابل تأمل است. بیضی استراتژیک انرژی جهان^۱، منطقه جغرافیایی را در برمی‌گیرد که در آن سرزمین پهناور ایران و خلیج فارس در مرکز، امارات متحده عربی، بحرین، قطر و بخش‌هایی از عمان، یمن و عربستان سعودی در جنوب، بخش‌هایی از عراق، ترکیه، ارمنستان و آذربایجان در غرب و شمال غرب، مجموعه دریای خزر و بخش‌هایی از جنوب روسیه و قزاقستان در شمال و بخش‌هایی از ازبکستان در شمال شرق آن تعریف شده است. بنا بر بررسی‌های موجود، بیش از ۷۰ درصد از ذخایر اثبات شده نفت و بیش از ۴۵ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان در این منطقه قرار دارد. بنابراین اعضای سازمان اکو با قرار گرفتن در این منطقه استراتژیک، علاوه بر دارا بودن موقعیت‌های مناسب برای توسعه و رشد اقتصادی، توانسته‌اند در امنیت منطقه خاورمیانه نقش مهم و بسزایی داشته



باشند؛ به‌ویژه آنکه این سازمان با کشورهای قدرتمندی مانند روسیه، چین و هند هم‌مرز است.

۴. تأثیر سازمان منطقه‌ای اکو در روابط کشورهای عضو

اکو یا سازمان همکاری‌های اقتصادی طبق اساسنامه خود، برای بهبود شرایط توسعه اقتصادی پایدار کشورهای عضو و حذف تدریجی موانع تجاری در این منطقه فعالیت و تلاش می‌کند. حوزه اکو را می‌توان در شمار مناطق هارتلند به حساب آورد. قابلیت‌ها و ظرفیت‌های گسترده این حوزه به‌خوبی بیانگر ضرورت حفظ صلح و امنیت و همکاری‌های چندجانبه به‌عنوان پیش‌شرط اساسی هرگونه بهره‌برداری از این قابلیت‌هاست. درواقع، اکو سازمانی برای همکاری‌های اقتصادی است و در حقیقت صلح و امنیت اعضا را از راه اقتصادی و همکاری‌های تجاری، فنی و فرهنگی دنبال می‌کند. اساسنامه اکو دارای یک مقدمه و ۱۶ ماده است. در مقدمه و ماده ۲ از اهمیت و ضرورت ابعاد، اهداف و شکل همکاری‌های اعضا سخن گفته شده است و ماده ۳ با عنوان «اصول همکاری»، اصول مذکور را در هفت‌بند تشریح کرده است.

بنیان‌گذاران اکو (ایران، ترکیه و پاکستان) از دیرباز دارای روابط گسترده‌ای بوده‌اند؛ اما این روابط با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تغییر محیط سیاسی منطقه بعد از انقلاب اسلامی، ماهیت همکاری‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه و پاکستان را دچار تحول اساسی کرد؛ به‌طوری‌که همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد؛ این کشورها به همکاری در چهارچوب آ.ر.سی.دی پایان داده و سازمان دیگری به‌نام «سازمان همکاری‌های اقتصادی» (اکو) تأسیس کردند.

به دنبال آن و با فروپاشی شوروی سابق، جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته آسیای مرکزی که به پایگاهی نیاز داشتند تا هم استقلال خود را تضمین کرده و هم توسعه اقتصادی و رفاه مردم خویش را بهبود بخشند؛ با توجه به روابط فرهنگی نزدیکی که با بنیان‌گذاران اکو داشتند در سال ۱۳۷۱ به این سازمان پیوستند و از این سال به بعد اعضای اکو به‌طور فعال تلاش کردند که روند توسعه منطقه را از راه فعالیت‌های دسته‌جمعی تسریع نمایند (میرزایی، ۱۳۸۵: ۱۵۸-۱۶۱).

در ادامه به ویژگی‌های ژئواکونومی سه کشور مهم و تأثیرگذار سازمان اکو یعنی ایران، ترکیه و پاکستان به‌طور مختصر اشاره می‌کنیم.

۴-۱. کشور جمهوری اسلامی ایران

اگر در دوران جنگ سرد خاک، عنصر اصلی و سرزمین روح مطالعات ژئوپلیتیک و استراتژیک را تشکیل می‌داد؛ امروزه با توجه به طرح مفهوم جدید ژئواکونومی که هدفش دخل و تصرف در استراتژی‌های اقتصادی با بهره‌گیری از بستر ژئوپلیتیک به‌منظور رسیدن به اهداف استراتژیک جهانی در وجوه مختلف است؛ این واقعیت را نوید می‌دهد که مناطق جغرافیایی خاص در جهان، نقش برتری نسبت به دیگر نقاط خواهند داشت. علت مزیت یافتن این مناطق جغرافیایی به‌دلیل اهمیتی است که آن‌ها در رابطه با تولید و توزیع منابع مولد انرژی با محوریت نفت و گاز خواهند داشت (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۰۵).

ایران با توجه به توانمندی‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی، جغرافیایی و به‌طور کلی واقعیت‌های ژئوپلیتیک آن، یکی از کشورهای مهم منطقه به حساب می‌آید؛ این کشور با توجه به موقعیت جغرافیایی آن در کانون راه‌های ارتباطی اوراسیا با پهنه آب‌های آزاد و دنیای خارج، از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است (کامران و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۸-۷). ایران به‌دلیل برخورداری از ظرفیت‌هایی از قبیل موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک، منابع فراوان نفت و گاز و نزدیکی جغرافیایی به دریاهای آزاد و تنگه استراتژیک هرمز، دارای جایگاهی انحصاری در تأمین نفت و گاز کشورهای آسیایی است که این متغیر موجب تبدیل ایران به یک قدرت برتر منطقه‌ای شده است (نامی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۵-۴۱). بنابراین در کنار قابلیت قرار گرفتن ایران در حوزه خلیج فارس که هارتلند انرژی فسیلی جهان است؛ در شمال نیز، ایران از جمله کشورهای مهم حوزه دریای خزر است که اولویت بعدی انرژی جهان است. پس به جرئت می‌توان گفت که ایران تنها کشوری است که با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و منابع انرژی فراوانش می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه اعضای اکو باشد.

۴-۲. کشور ترکیه

سابقه و تمایل به مدرن‌سازی و توسعه اقتصادی در ترکیه به دوره امپراتوری عثمانی بازمی‌گردد؛ اما پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و ظهور جمهوری ترکیه، گام‌های جدی‌تری در این راستا برداشته شد که اگرچه طرح‌های صنعتی شدن و توسعه اقتصادی با دشواری‌ها و موانعی مواجه بوده است؛ اما به‌تدریج دستاوردهای محسوسه‌ای نیز در این مسیر حاصل شده است (قنبرلو، ۱۳۹۲: ۹۷-۷۱).



ترکیه علاوه بر موقعیت راهبردی خود در محل تقاطع اوراسیا و حتی آفریقا، در عین حال سرزمینی با هویت اروپایی، آسیایی، بالکانی، قفقازی، خاورمیانه‌ای، مدیترانه‌ای و از جوامع پیرامونی دریای سیاه است. به همین دلیل شخصیت ویژه در هویت جغرافیایی ترکیه، قابل درک است که خط‌مشی اصلی سیاست خارجی ترکیه از آن نشئت می‌گیرد. به عبارتی، طبق سیاست خارجی و حتی تجاری ترکیه، درک از ژئوپلیتیک و حتی ژئواکونومی تا حد زیادی تابع نوع تعریف راهبردی از هویت ملی در بستر هویت جغرافیایی است. از دیگر ویژگی‌های موقعیت راهبردی ترکیه می‌توان به ساختار حکومتی به نسبت دموکراتیک^(۳) و نظام اقتصادی بازار آزاد آن اشاره کرد. همچنین دیپلماسی سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی نوین ترک‌ها، به‌ویژه در حوزه جغرافیایی پیرامونی از دیگر عوامل مهمی است که در حال حاضر موجد منزلت راهبردی ویژه‌ای برای ترکیه است و این موضوع، شخصیت تازه‌ای از ترکیه در نقشه سیاسی و اقتصادی جهان ترسیم کرده است (ولیکی‌زاده، ذکی، ۱۳۹۲: ۱۶۷-۱۳۵)؛ به‌گونه‌ای که این کشور موفقیت‌های چشمگیری در جذب سرمایه‌های خارجی داشته است و طبق اعلام وزارت اقتصاد ترکیه حدود ۳۴/۵ هزار شرکت خارجی در این کشور مشغول فعالیت هستند.

۳-۴. کشور پاکستان

کشور پاکستان از آغاز تأسیس برای بهره‌برداری از فرصت‌های سرزمین خود همواره با دشواری‌های ویژه‌ای مواجه بوده است. با این وجود رود سند، آب‌وهوای مناسب و مساعد، خاک و جلگه‌های حاصلخیز سند و پنجاب، به پاکستان ظرفیت‌های بالقوه طبیعی و اقتصادی برای توسعه بخش کشاورزی بخشیده است. پاکستان با کمک عوامل طبیعی و اقتصادی مساعد توانسته است یکی از قطب‌های عمده تولید غلات در آسیا باشد. نکته قابل توجه در اقتصاد پاکستان این است که این کشور با وجود چالش‌های گسترده پیش روی آن از جمله مسئله کشمیر و تنش با هند و نیز موضوع تروریسم و افراط‌گرایی، توانسته است با بهره‌گیری از فرصت‌ها و بهبود زیرساخت‌ها، شرایط را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم کند.

ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک کشور پاکستان به‌طور طبیعی باعث می‌شود که به سمت حوزه‌های ژئواکونومیک با کشورهای همسایه حرکت کند. بنابراین اقتصاد به‌عنوان یکی از عناصر اصلی حوزه‌های ژئواستراتژیک بین پاکستان و کشورهای همسایه، عامل تأثیرگذار مهمی برای نزدیک شدن این کشورها به هم است. بیشترین

سود اقتصادی روابط تجاری میان پاکستان و کشورهای همسایه از جمله ایران و هند، به طور بالقوه در حوزه همکاری انرژی صورت می گیرد. هند یکی از بزرگ ترین بازارهای مصرف در حال رشد انرژی در جهان است و توانایی جذب منابع جدید عرضه انرژی را نیز دارا است و پاکستان اگرچه نقش بالقوه ای در تأمین این بازار ندارد؛ اما مسیر ترانزیتی مناسبی، به خصوص از راه خط لوله برای تأمین و انتقال انرژی از ایران به هند و آسیای مرکزی است (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۰۵). با توجه به این که توسعه حمل و نقل و زیرساخت های ارتباطی، تسهیل تجارت و سرمایه گذاری از اهداف عمده اکو است؛ این موضوع اهمیت و جایگاه ژئواکونومیک پاکستان در منطقه را دوچندان کرده است. از آنجاکه هدف اصلی اکو توسعه اقتصادی و اجتماعی اعضا است؛ به همین منظور علاوه بر عهدنامه از میر که اساس اصول و اهداف همکاری در اکو را تعیین می کند؛ کشورهای عضو در سال های گذشته سه طرح اجرایی نیز به تصویب رساندند که عبارت اند از: طرح عمل کویت، بیانیه استانبول و طرح کلی آلمانی. به منظور توسعه حمل و نقل و ارتباطات در منطقه طرح های نخست و دوم که به نوعی چهارچوب کلی توسعه ساختار اجتماعی، اقتصادی اکو به شمار می آیند؛ اولویت های همکاری این سازمان را در زمینه های تجارت، انرژی، صنعت، کشاورزی، حمل و نقل و ارتباطات را مشخص می کند. به طور کلی، اهداف سازمان همکاری اقتصادی اکو از طرح های مذکور در موارد زیر خلاصه می شود:

- ارتقای شرایط برای توسعه اقتصادی پایدار و افزایش سطح زندگی و رفاه مردم؛
- گسترش تجارت درون منطقه ای، فرامنطقه ای و حذف موانع تجاری؛
- تلاش در جهت ادغام تجارت کشورهای عضو در تجارت جهانی و ارتقای همکاری های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و علمی؛
- توسعه زیربنای حمل و نقل و ارتباطات؛
- توسعه هم گرایی بخش دولتی و خصوصی با تأکید بر آزادی اقتصادی؛
- تدوین برنامه مشترک برای توسعه منابع انسانی و بهره برداری از منابع طبیعی؛
- همکاری منطقه ای برای کنترل مواد مخدر؛
- حفظ محیط زیست و تحکیم روابط تاریخی و فرهنگی در بین کشورهای عضو و همکاری با سازمان های منطقه ای و بین المللی (پیشداد، ۱۳۸۸: ۱۳).

با مرور روندهای درون سازمانی اکو، به ویژه برگزاری اجلاس سران می توان به این نتیجه رسید که کشورهای عضو این سازمان در سال های گذشته تلاش داشته اند که با ایجاد تحول، هرچه بیشتر در مسیر هم گرایی منطقه ای گام بردارند که در این چهارچوب



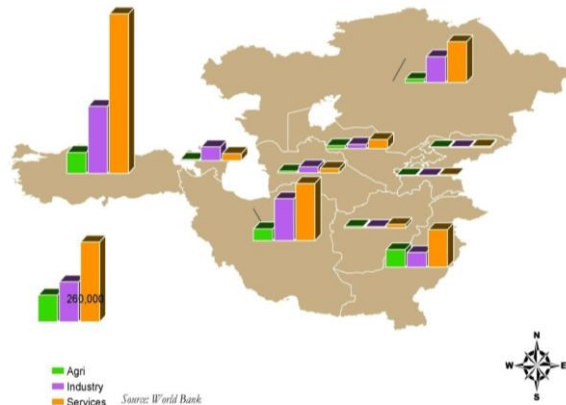
می‌توان به سند چشم‌انداز اکو ۲۰۱۵ اشاره کرد. اگرچه این سند به موفقیت مورد نظر اعضا نرسیده است؛ اما این حرکت به‌نوعی تلاش اعضا در جهت هم‌گرایی و رسیدن به اتحاد و هدف مشترک را مشخص می‌کند. از طرفی به گواه آمارهای رسمی منتشرشده، میزان تجارت درون منطقه‌ای اکو در سال ۱۹۹۶ برابر با ۸/۵ میلیارد دلار و در سال ۱۹۹۸، ۶/۷ میلیارد دلار بوده است؛ در صورتی که این نرخ در سال ۲۰۰۵ به ۲۷ میلیارد دلار رسیده و هرچه به لحاظ زمانی جلوتر برویم؛ این رشد افزایش‌یافته، به‌طوری که نرخ رشدی معادل ۵۰۰ تا ۹۰۰ درصد را نشان می‌دهد. با این وجود، ناهمگونی در توسعه اقتصادی این کشورها مشهود است؛ چراکه بررسی شاخص‌های اصلی نظام کشورهای عضو اکو نشان می‌دهد که میزان توسعه اقتصادی این کشورها دارای ناهمگونی است و این امر هم در حجم تولید ناخالص داخلی و هم در میزان رشد اقتصادی آن‌ها قابل ملاحظه است (جدول ۲).

جدول ۲: تجارت درون منطقه‌ای اکو (میلیارد دلار)

تجارت اکو	۱۹۹۸	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۲
کل تجارت خارجی	۱۴۰/۶	۱۷۶/۲	۴۲۱	۹۰۲
تجارت درون منطقه‌ای	۷/۶	۹/۳	۲۷	۶۶/۵
تجارت درون منطقه‌ای به درصد	۵/۳	۵/۳	۶/۴	۷/۳

Source: ECO Statistical Report, 2013

به‌هرحال در سال‌های گذشته به‌موازات تدوین و اجرای موافقت‌نامه‌ها و اسناد راهبردی، اقدامات قابل توجهی در حوزه‌های اصلی و اولویت‌دار همکاری‌های منطقه‌ای اکو، یعنی تجارت، حمل‌ونقل و انرژی صورت گرفته است که بیانگر رضایت کشورهای عضو از همکاری در سازمان منطقه‌ای و ملاحظه منافع مشترک است.



نقشه ۲: تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو اکو براساس قیمت‌های رایج در بخش‌های اصلی اقتصادی در سال ۲۰۱۳ (میلیون دلار)

۵. چالش‌های فراروی سازمان منطقه‌ای اکو در جهت هم‌گرایی منطقه‌ای

فلسفه ایجاد اکو را باید در شرایط سیاسی و اقتصادی موجود در کشورهای عضو در نخستین سال‌های دهه ۱۹۶۰ جست‌وجو کرد. از نظر شرایط اقتصادی سه کشور مذکور درصدد اجرای طرح‌های صنعتی کردن خود به شیوه غربی بودند. محدودیت ذخایر ارزی، نیاز به طرح‌های صنعتی، دریافت فناوری و سرانجام استفاده از امکانات رفاهی منطقه‌ای و همچنین داشتن علایق تاریخی، فرهنگی و سنتی مشترک میان سه کشور و قرار گرفتن در یک منطقه حساس و استراتژیک، ضرورت پیدایش یک سازمان همکاری چندجانبه را هرچه بیشتر آشکار می‌ساخت.

همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد این سازمان در حال حاضر، با داشتن ده عضو و جمعیتی بالغ بر ۴۰۰ میلیون نفر و به‌عنوان بزرگ‌ترین شکل اقتصادی جهان اسلام، بخش قابل‌توجهی از ظرفیت‌های تجاری، صنعتی، بازرگانی و منابع نفتی و گازی جهان را در اختیار دارد. همچنین گسترش همکاری‌های اقتصادی ازجمله بسط تجارت و رشد و توسعه اقتصادی، تحکیم علایق و پیوندهای فرهنگی و اجتماعی و توسعه ارتباطات و گسترش شبکه‌های حمل‌ونقل در کشورهای عضو، از مهم‌ترین اهداف سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو) محسوب می‌شوند.



در ادبیات اقتصاد رشد و تجارت بین‌الملل، این‌که تولید سرانه کشورها همگرا می‌شوند یا در آینده میل به هم‌گرایی دارند؛ اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا هم‌گرایی درآمد سرانه در شکل‌گیری اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای و پایداری آن‌ها نقش اساسی را ایفا می‌کند و به عبارت دیگر هم‌گرایی می‌تواند مشوق تشکیل و پایداری اتحادیه‌های منطقه‌ای را فراهم آورد (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۶-۱۵۵). با وجود افزایش سازمان‌های منطقه‌ای باید توجه داشت که صرف ایجاد یک سازمان منطقه‌ای، اهداف تشکیل آن سازمان محقق نخواهد شد و عواملی همچون عدم تعهد و جدیت کشورهای عضو، رقابت اعضای سازمان و عدم تعامل مؤثر بین آن‌ها، تضاد منافع اعضا، مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای و غیره، موجب شکست و ناکارآمدی سازمان منطقه‌ای می‌شود (Linn & Pidufala, 2008, p. 4). در ارزیابی میزان توفیق اکو در دستیابی به اهداف بالا نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که آنچه تاکنون حاصل شده است؛ با توافقات، خواسته‌ها، چشم‌اندازها و پیش‌بینی‌های بنیان‌گذاران و سایر اعضای این سازمان فاصله دارد و متناسب با ظرفیت‌ها و استعدادها منطقه نیست. سازمان‌های منطقه‌ای جدا از تمام مزایایی که برای منطقه و به‌ویژه کشورهای عضو دارند؛ اما گاهی نیز به شکست می‌انجامند؛ از جمله عوامل ضعف و شکست سازمان‌های منطقه‌ای می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- محل تردید بودن پاره‌ای از مواد که به‌عنوان عامل موفقیت معرفی شده‌اند؛
- مبهم و انعطاف‌پذیر بودن مفهوم منطقه؛
- تأثیرپذیری منفی سازمان‌های منطقه‌ای و دولت‌های عضو آن از ابرقدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای و خدشه‌دار شدن نسبی استقلال آن‌ها در تصمیم‌گیری؛
- تبیین نشدن درست رابطه سازمان‌های جهانی با سازمان‌های منطقه‌ای؛
- تنوع سازمان‌های منطقه‌ای از لحاظ سیاسی، جغرافیایی، سطح توسعه و غیره که باعث شده چهارچوب نظام خاصی برای آن‌ها در میان نباشد؛
- کم‌تر بودن ضمانت اجرایی تصمیم‌های سازمان منطقه‌ای نسبت به سازمان‌های جهانی مانند سازمان ملل متحد؛
- مشکلات فراوان مالی و بودجه‌ای؛
- ضعف سامان‌دهی و نبود آیین کار و تجربه لازم در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و عملیات پاسداری از صلح، به‌ویژه در آفریقا و آسیا؛
- دشواری در تأمین منابع و فراهم آوردن نیروهای بی‌طرف؛

- ناتوانی در اثرگذاری بر عوامل خارج از منطقه و متقاعد کردن آنها بانفوذ سیاسی یا کاربرد ابزارهای قهرآمیز؛
- فراگیر نبودن بسیاری از سازمان های منطقه ای و احاطه داشتن آنها تنها بر بخشی از منطقه؛
- نبود توازن قدرت در منطقه و وجود قدرت های مرکزی و پیرامونی در سازمان های منطقه ای؛
- مشکلات سازمان های منطقه ای برای مداخله در امور داخلی کشورها (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۸-۷۷).

با ذکر موارد بالا می توان به راحتی دریافت که تحقق هویتی مشترک میان اعضای اکو به دلایلی ازجمله عامل ادراکی (عدم تعلق اعضای اکو به یک منطقه خاص)، نبود انسجام سیاسی کشورهای عضو (داشتن نظام های سیاسی متفاوت) و نیز نبود زیرساخت های اقتصادی مناسب، دشوار به نظر می رسد. درواقع، در نبود هنجارهای رویه ای مشترک در میان اعضای اکو، فرهنگ رقابتی بر فرهنگ دوستی و همکاری سیطره داشته است. از همین رو، می توان به چالش هایی که سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، به ویژه در حوزه هم گرایی با آنها مواجه است به شرح زیر اشاره کرد:

- ناهمگونی در سیاست های تجاری اعضا: درواقع یکی از مسائلی که باعث تقویت هم گرایی اقتصادی بین اعضای یک اتحادیه می شود؛ یکسانی یا هماهنگ سازی قوانین و مقررات تجاری است که متأسفانه با وجود تلاش های صورت گرفته، قوانین و مقررات تجارت خارجی بین اعضای اکو همگون نیست؛
- مشارکت کم رنگ بخش خصوصی به عنوان تبلور حضور مستقیم مردم در طرح های اکو یکی دیگر از چالش های اقتصادی اکو است؛
- ناهماهنگی در اتخاذ خط مشی مناسب میان اعضا: به ویژه ناهمگونی ترکیه که بیشتر از سایر اعضا به نظر می رسد. ترکیه در طول سال های اخیر نشان داده است که سیاست های متفاوتی را در همکاری با کشورهای منطقه دنبال می کند و تمام توجه خود را معطوف اروپا و آمریکا کرده و اولویت سیاست خارجی خود را پیوستن به اتحادیه اروپا قرار داده است؛^(۴)
- پایین بودن سطح تجارت درون منطقه ای نیز همچنان یکی از چالش های مهم اکو به شمار می آید. با وجود ظرفیت های فراوان و برنامه ریزی های صورت گرفته، حجم تجارت درون منطقه ای اکو کم تر از میزان تجارت فرامنطقه ای اکو است؛



این امر یکی از مهم‌ترین اهداف عهدنامه از میر و نیز کارکرد اکو به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای اقتصادی را با چالشی جدی مواجه کرده است؛

- توسعه‌نیافتگی کلی فضای جغرافیایی اکو از یک‌طرف و سطح نابرابر توسعه از طرف دیگر می‌تواند اختلاف بین اعضای این سازمان را به چالش مبدل کند. مسئله توسعه‌نیافتگی به‌سادگی موجب بروز رقابت برای کسب فرصت‌های توسعه‌ای نظیر سرمایه‌گذاری کشورهای فرامنطقه‌ای به‌دلیل نیاز مبرم می‌شود که می‌تواند تبعاتی برای کشورهای منطقه را دربر داشته باشد. نابرابری سطح توسعه نیز به‌نوبه خود، مسائلی همچون مشکل توزیع ناعادلانه هزینه‌ها و منافع را دربر دارد و کشورهای ضعیف از تخصیص ناکافی این فرصت‌ها بیم دارند (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۱-۱).

با توجه به موارد بالا می‌توان گفت که به‌طور کلی، وجود فرهنگ‌های متفاوت، قرارگرفتن اعضا در بلوک‌های سیاسی مختلف، ساختارهای اقتصادی غیر مکمل، فقدان سرمایه و فناوری‌های پیشرفته، اعمال نفوذ کشورهای فرامنطقه‌ای و بی‌ثباتی نسبی برخی از کشورهای عضو، اکو را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

منطقه که بر مبنای تقسیمات جغرافیایی استوار است موجب نزدیکی دولت‌ها و کشورهایی می‌شود که دارای اشتراکات تاریخی، فرهنگی، زبانی و مذهبی هستند. همواره سازمان‌های منطقه‌ای در جهت تعمیق همکاری‌های بین‌المللی و حفظ صلح و افزایش سطح زندگی مردم منطقه نقش قابل‌توجهی داشته‌اند. از جهت زمانی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، عملکرد اکو در چهار دوره مشخص قابل بررسی است:

- دوره شکل‌گیری و گسترش اعضا (۱۹۸۵-۱۹۹۲)؛
 - دوره تجدید ساختار و تعیین اولویت‌ها (۱۹۹۲-۱۹۹۶)؛
 - دوره ترسیم چهارچوب فعالیت‌ها و نهادینه کردن همکاری‌ها (۱۹۹۷-۲۰۰۵) و
 - دوره ورود به عرصه اجرایی و تلاش برای تحقق برنامه‌ها و راهبردها (۲۰۰۶ به بعد).
- طی این دوران، اکو موفق شد پس از گسترش اعضا به تجدید ساختار، تدوین اولویت‌ها و ترسیم چهارچوب و چشم‌انداز فعالیت‌ها و نهادینه کردن همکاری‌های منطقه‌ای در قالب تدوین دهه‌ها موافقت‌نامه و سند راهبردی در بخش‌های مختلف بپردازد. از سال ۲۰۰۶، اکو وارد مرحله اجرایی موافقت‌نامه‌ها و طرح‌های تدوین‌شده گردید. در این دوران، موافقت‌نامه‌های مهمی مانند اکوتا و چهارچوب حمل‌ونقل ترانزیت اجرایی شدند. در

برخی از بخش ها و زیربخش ها، فعالیت ها از حالت رکود و انتظار خارج شد و سازمان اقدام به نهادینه کردن همکاری منطقه ای در عالی ترین سطوح نمود. برگزاری اجلاس های وزرای بخشی در حوزه های اصلی همکاری و نشست های کارشناسی به منظور بررسی های فنی و پیدا کردن راهکارهای عملیاتی برای اجرایی کردن توافقات و حل مشکلات پیش رو به تدوین ده ها برنامه عمل و اجرای طرح های بخشی منجر شد (عباسی اشلقی، دامن پاک جامی، ۱۳۹۲: ۱۰۰-۶۳).

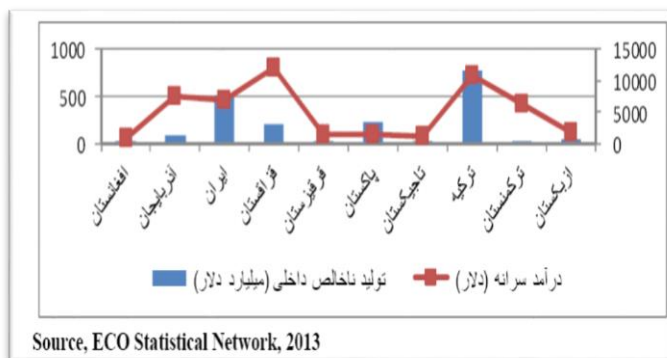
براساس نظریات هم گرایی منطقه ای، به ویژه رویکرد ارنست هاس، هم گرایی اقتصادی به وحدت سیاسی منجر خواهد شد. در این راستا، حرکت هم گرایی از حوزه اقتصادی به سوی حوزه سیاسی نوعی فرهنگ سیاسی نوین در بین کشورهای مناطق خاص جغرافیایی را بروز می دهد. هتن نیز معتقد است که منطقه گرایی صرفاً اقتصادی یا سیاسی نبوده، بلکه ابزاری سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی است. با این توضیحات و با ملاحظه جغرافیای کشورهای عضو اکو و قرار گرفتن این سازمان در منطقه ای استراتژیک که دارای منابع طبیعی فراوان مانند منابع عظیم نفت و گاز و مواد معدنی فلزی از جمله مس، طلا و ذخایر مواد معدنی غیرفلزی و از همه مهم تر نیروی انسانی جوان است؛ این سازمان می تواند بازار منطقه ای خوبی را فراهم کرده و آینده توسعه صنعتی این کشورها را رقم بزند.

در صورتی که فرایند همکاری ها و در پی آن هم گرایی منطقه ای با استفاده از توسعه مناطق آزاد صنعتی شکل گرفته و توسعه یابد و در این راستا، تجارت چندجانبه، انتقال آزاد کالا، خدمات، سرمایه و سایر عوامل تولید به عنوان بستر حصول به این فرایند عمل کنند؛ آن گاه همکاری های منطقه ای کشورهای اکو می تواند نقش بسیار وسیع تری در معاملات اقتصادی بین المللی برای این منطقه فراهم آورد. بنابراین با توجه به نوع نظام های حاکم بر کشورهای عضو اکو و همچنین سطح متفاوت اقتصاد داخلی آن ها و چالش های فراروی این سازمان، اما با توجه به علایق سیاسی، فرهنگ، زبان و مذهب مشترک می توان در بلندمدت چشم انداز مثبتی را برای هم گرایی بیشتر این کشورها پیش بینی کرد که البته در صورت حفظ و تقویت روند همکاری های اعضا و تلاش بیش از پیش برای اجرای موافقت نامه ها و اسناد مصوب سازمان، به سمت مطرح شدن به عنوان یک بلوک اقتصادی منطقه ای حرکت خواهد کرد. از همین رو رهبران کشورهای عضو اکو باید این حقیقت را بپذیرند که دنیای واقعی نه حاوی سیاهی مطلق هابزی و نه سفیدی مطلق کانتی است. مصالح متقابل بشری بیانگر تلفیقی از هماهنگی ها، تعارض ها، هم گرایی ها و واگرایی هاست (سیف زاده، ۱۳۸۵: ۲۶۴).



نتیجه‌گیری

به‌طور یقین کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو) با توجه به اشتراکات تاریخی، فرهنگی، دینی و زبانی و با وجود ظرفیت‌های کلان اقتصادی می‌توانند همکاری‌های متقابل را به‌ویژه در بخش‌های تجارت، حمل‌ونقل، انرژی، ارتباطات و غیره گسترش دهند. از طرفی، وجود منابع عظیم طبیعی زیرزمینی و روزمینی، کشورهای عضو اکو را به‌طور بالقوه از موقعیتی ممتاز برای جذب هرچه بیشتر سرمایه‌های مستقیم خارجی برخوردار کرده است (نمودار ۱).



نمودار ۱: تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه منطقه اکو، سال ۲۰۱۲

بنابراین با درک این موقعیت‌ها و براساس واقعیت‌های موجود، تعامل نخبگان فکری و فنی، همکاری با مراکز علمی و پژوهشی و از همه مهم‌تر توسعه روابط و همکاری‌های اقتصادی اعضای اکو توانسته است موجب افزایش قدرت چانه‌زنی این سازمان در مبادلات جهانی شود. با توجه به مباحث مطرح‌شده و یافته‌های پژوهش و براساس تفسیر رویکرد هم‌گرایی منطقه‌ای با تأکید بر رویکرد ارنست هاس، فرضیه تحقیق مبنی بر این‌که سازمان‌های منطقه‌ای و به‌ویژه سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو) با ایجاد نوعی تعامل سازمان‌یافته در بین اعضا نسبت به کاهش چالش‌های منطقه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای را داشته است؛ تأیید می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. البته در پی مداخله نظامی روسیه در مسئله اوکراین و استقرار سربازان روس در شبه‌جزیره کریمه، از اوایل سال ۲۰۱۴ عضویت روسیه توسط سایر اعضا برای مدت نامعلومی معلق شده است. این در حالی است که نشست سران گروه هشت قرار بود در هشتم ژوئن ۲۰۱۴ در سوچی روسیه برگزار شود، اما به دلیل مسائل اوکراین و شرق اروپا، نه تنها برگزاری این اجلاس از سوی سایر اعضا تحریم شد و به جای آن مقرر شد این نشست بدون حضور روسیه در لندن برگزار شود، بلکه اساساً عضویت روسیه از آن زمان تاکنون معلق شده و در عمل این گروه به گروه هفت یا جی هفت تغییر کرده است. تا پیش از آن کشورهای آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن و کانادا به همراه روسیه گروه هشت کشور صنعتی جهان را تشکیل می‌دادند.
۲. عهدنامه از میر که به عنوان سند بنیادین و موافقت‌نامه پایه‌ای سازمان همکاری اقتصادی (اگو) محسوب می‌شود، در سال ۱۹۷۷ میلادی توسط سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان امضا شد. این عهدنامه تاکنون سه بار اصلاح شده است. اصلاح اول ۱۹۹۰، اصلاح دوم ۱۹۹۲ و اصلاح سوم در چهاردهم سپتامبر ۱۹۹۶ با که با نام عهدنامه جدید در چهارمین اجلاس سران اگو توسط هشت کشور عضو (کلیه اعضا به جز افغانستان و ازبکستان) به امضا رسید و از ۲۴ سپتامبر سال ۲۰۰۲ به اجرا گذارده شد.
۳. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، با توجه به تحولات جدید ترکیه و سیاست‌های رئیس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان، به‌ویژه طرح اصلاح قانون اساسی و به تبع آن اصلاح و تغییر ساختار سیاسی و تأیید این اصلاحات در رفراندوم اخیر ترکیه، دموکراسی نوپای این کشور در معرض تهدید قرار گرفته است.
۴. البته سیاست اروپاگرایی و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا به هر قیمتی، پس از ناکامی‌های مدام ترکیه در مذاکرات الحاق به اتحادیه و همچنین ایجاد تنش در روابط ترکیه و کشورهای اروپایی، به‌ویژه آلمان و اتریش و تشدید تنش لفظی بین رجب طیب اردوغان و رهبران اروپایی در این اواخر تا اندازه‌ای و در ظاهر فروکش کرده است.



فهرست منابع

- احمدی‌پور، زهرا؛ قادری‌حاجت، زهرا؛ مختاری‌هشی، حسین (۱۳۸۹)، «تحلیل ژئوپلیتیکی فرصت‌ها و چالش‌های هم‌گرایی در منطقه غرب آسیا»، دو فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره ۱.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۳)، «نقش سازمان‌های منطقه‌ای در پایداری امنیت کشورهای عضو-نگاهی به سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۰۹ و ۲۱۰.
- اعظمی، هادی؛ زرقاتی، سیدهادی؛ دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، «تحلیل اولویت‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی در شکل‌دهی به سازمان‌های منطقه‌ای (بررسی موردی سازمان همکاری شانگهای)»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال اول، شماره ۱.
- پیشداد، سعید (۱۳۸۸)، هم‌گرایی در سازمان اگو، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- جمالی، حسین (۱۳۸۵)، تاریخ و اصول روابط بین‌الملل، قم: زمزم هدایت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ مختاری‌هشی، حسین؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۱)، «بررسی چالش‌های جغرافیای سیاسی در هم‌گرایی منطقه‌ای مطالعه موردی سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره ۱.
- حقیقی، مسعود (۱۳۷۴)، «موانع هم‌گرایی در سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)»، مطالعات خاورمیانه، شماره ۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶)، «ضرورت و الزامات منطقه‌گرایی در تحقق برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه نگرش راهبردی، شماره ۸۷.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۷)، «ایران و منطقه‌گرایی در آسیای جنوب غربی: راهبرد و راهکارها در سیاست خارجی ایران»، پژوهش سیاست نظری، شماره ۵.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۲)، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، چاپ سوم، تهران: سفیر.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۸)، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی، جهانی‌شده: مناسب و کارآمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۶۸)، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران: قومس.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۵)، اصول روابط بین‌الملل، چاپ پنجم، تهران: میزان.
- شهبازی، کیومرث؛ رضایی، ابراهیم؛ حمیدی رزی، داود (۱۳۹۴)، بررسی هم‌گرایی اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی اگو: رهیافت اقتصادسنجی فضایی تابلویی، پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۷۴.

- عباسی‌اشلقی، مجید؛ دامن‌پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۲)، «جمهوری اسلامی ایران و سازمان همکاری اقتصادی اکو، بیست سال پس از گسترش این سازمان»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۴.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۸)، «ژئواکونومی انرژی و پیامدهای امنیتی آن بر سه کشور ایران، پاکستان و هند»، سیاست خارجی، سال بیست‌وسوم، شماره ۱.
- فتوحی، صمد (۱۳۸۹)، «جهانی‌شدن و هم‌گرایی منطقه‌ای کشورهای حوزه خلیج فارس»؛ در مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام (I CI WG ۲۰۱۰)، ایران: زاهدان.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۲)، «بنیادهای اقتصادی سیاست خارجی ترکیه»، روابط خارجی، سال پنجم، شماره ۴.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۰)، نظریه هم‌گرایی در روابط بین‌الملل «تجربه جهان سوم»، تهران: قومس.
- کامران، حسن؛ مینایی، مهدی؛ ولیقلی‌زاده، علی (۱۳۸۸)، «بررسی و تحلیل ژئواکونومیک روابط تجاری، اقتصادی ایران با کشورهای CIS»، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، سال هفتم، شماره ۲۳.
- کولایی، الهه؛ سازمند، بهاره (۱۳۹۰)، «هم‌گرایی منطقه‌ای در آسیا: تحلیل تطبیقی اکو و آ.سه.آن»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۴.
- کولایی، الهه؛ سازمند، بهاره (۱۳۹۲)، «جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی نوین در شرق آسیا»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره ۱.
- کولایی، الهه؛ مؤدب، محمد (۱۳۸۸)، «نقش و اهمیت ایران در بازار انرژی در منطقه اکو»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ۳.
- میرزایی، محمد (۱۳۸۵)، «سازمان همکاری اقتصادی (اکو) در حال تحول و توسعه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۳.
- نامی، محمدحسین؛ محمدپور، علی؛ عباسی، علیرضا (۱۳۸۸)، «تحلیل جایگاه ژئواکونومیک ایران در خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره ۲.
- نجارزاده، رضا؛ یآوری، کاظم؛ شقاقی‌شهری، وحید (۱۳۸۴)، «هم‌گرایی اقتصادی منطقه‌ای و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای منطقه منا)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال پنجم، شماره ۳.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۸)، «ایران کانون چند زیرسیستم منطقه‌ای»، فصلنامه اوراسیای مرکزی، شماره ۲.
- ولیقلی‌زاده، علی؛ ذکی، یاشار (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل اهمیت ژئواکونومیک مناطق آزاد ترکیه برای مناطق آزاد ارس»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۳.



References

- Berslin, shaun and Richard Higgott (2002), "Studying Regions: Learning from the Old, Constructing the New", New Political Economy, Vol.5, No.3
- ECO Statistical Report (2013), Tehran: ECO Secretariat, Available at: www.ecosecretariat.org.
- Economic cooperation organization (1991), A guide book, secretariat of Economic cooperation, Iran: Tehran.
- Hettne, Björn (1994), The new Regionalism: Implication for Development and International Security, Helsinki: UNU/WIDER.
- Hettne, Björn (1999), Globalization and the new Regionalism: the second Great transformation, Londen: Palgrave Macmillan.
- Liin, Johannes & Oksana Pidufala (October 2008), The Experience with Regional Economic Cooperation, lessons for central Asia, Wolfensohm Center for Development.
- Salvatore, Dominick (1984), Theory, and Problems of International Economics, New York: McGraw-Hill.